

بررسی رابطه بین مدیریت سود و اظهار نظر حسابرس با تأکید بر نقش ساختار مالکیت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر مریم اقبال

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه خيام، مشهد، ايران. (نویسنده مسئول).

m.eghbal@khayyam.ac.ir

زینب دلاوری

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه خيام، مشهد، ايران.

zeinab.delavar@gmail.com

چکیده

در دنیای امروز، با گسترش فعالیت‌های واحدهای تجاری و افزایش داده‌ها، جدایی مدیریت از مالکیت و پیامدهای آن، شامل تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی، اجتناب‌ناپذیر است. یکی از راهکارهای کاهش این شکاف اطلاعاتی، حسابرسی صورت‌های مالی و ارائه اظهار نظر توسط حسابرسان است که می‌تواند ذینفعان را از اقدامات مدیران و وضعیت شرکت آگاه سازد. این پژوهش به بررسی رابطه بین مدیریت سود و اظهار نظر حسابرس با تأکید بر نقش ساختارهای مالکیت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. جامعه آماری شامل ۱۳۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ (۶۶۰ سال-شرکت) بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندمتغیره برای داده‌های ترکیبی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد رابطه معناداری بین مدیریت سود و اظهار نظر تعدیل‌شده حسابرس در سطح معناداری ۹۹ درصد وجود دارد؛ به طوری که با افزایش مدیریت سود، احتمال ارائه اظهار نظر تعدیل‌شده نیز افزایش می‌یابد. همچنین، در شرکت‌های با مالکیت نهادی و دولتی، این رابطه مستقیم تأیید شده است. در این شرکت‌ها، با افزایش مدیریت سود، احتمال ارائه اظهار نظر تعدیل‌شده توسط حسابرسان افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت سود، اظهار نظر تعدیل‌شده، مالکیت نهادی، مالکیت دولتی.

مقدمه

یکی از چالش‌های عمده در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر بازار سرمایه، جدایی مالکیت از مدیریت در شرکت‌هاست که این تفکیک، زمینه‌ساز بروز تضاد منافع میان مدیران و سهامداران شده است. به‌ویژه در محیط‌هایی که اطلاعات نامتقارن میان این دو گروه وجود دارد، احتمال رفتارهای فرصت‌طلبانه نظیر مدیریت سود افزایش می‌یابد. در این راستا، هدف اصلی مدیران، کنترل بخش‌های حیاتی شرکت و بهبود عملکرد آن تلقی می‌شود، اما در عمل، آن‌ها ممکن است تصمیماتی اتخاذ کنند که در راستای حداکثرسازی منافع شخصی خود، حتی به قیمت تحمیل هزینه بر سرمایه‌گذاران باشد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶).

در این میان، سود به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی عملکرد شرکت‌ها از جایگاه ویژه‌ای نزد سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان برخوردار است. ثبات و پیش‌بینی‌پذیری سود از مهم‌ترین معیارهای سنجش کیفیت آن محسوب می‌شود و بدین ترتیب، تحلیل گران مالی سود را یک مؤلفه اساسی در تصمیم‌گیری‌ها در نظر می‌گیرند. این جایگاه موجب شده

است که مدیران با انگیزه‌های متفاوت در پی مدیریت سود باشند تا از طریق بهره‌گیری از قضاوت‌های شخصی در گزارشگری مالی، سود را به نحوی دلخواه گزارش کنند (صفی‌پورافشار و همکاران، ۱۴۰۱).

مطابق دیدگاه هیلی و والن (۱۹۹۹)، مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران با استفاده از قضاوت حرفه‌ای خود، اقدام به تغییر زمان‌بندی یا ساختار معاملات می‌نمایند تا اهداف خاصی را در گزارشگری مالی دنبال کنند. این اقدامات می‌تواند با هدف فریب ذی‌نفعان در خصوص وضعیت اقتصادی شرکت یا جهت اثرگذاری بر قراردادهای مبتنی بر اطلاعات حسابداری صورت گیرد. به‌عنوان نمونه، روی چاوداری (۲۰۰۶)، نشان داده است که مدیریت سود می‌تواند از طریق فعالیت‌های واقعی مانند کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه یا تبلیغات و آموزش اجرا شود. در این میان، خوش‌بینی بیش از حد مدیرعامل نیز می‌تواند زمینه‌ساز سوگیری در تصمیم‌گیری‌ها و گرایش به مدیریت سود باشد (شردن و زچمن، ۲۰۱۲؛ هریبر و یانگ، ۲۰۱۶).

در مقابل، حسابرسی مستقل به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی نظارت بر گزارشگری مالی شرکت‌ها عمل می‌کند. در واقع حسابرسان در خصوص مربوط بودن و قابل اعتماد بودن صورتهای مالی گزارش شده، با استفاده از شواهد اظهارنظر می‌نمایند (مالایمی و مرفوع، ۱۳۹۴). گزارش حسابرسی همواره شامل اظهارنظر صریح حرفه‌ای است که نسبت به مطلوبیت صورتهای مالی از تمام جنبه‌های بااهمیت در انطباق با اصول استانداردهای حسابداری انجام می‌شود. اظهارنظر به معنای نتیجه‌گیری و ارائه نظر صریح درباره مجموعه صورتهای مالی می‌باشد. با توجه به نقش حسابرسی در اعتباردهی صورتهای مالی، از حسابرس انتظار می‌رود رویه‌های حسابداری سؤال برانگیز و تحریفات با اهمیت صورت گرفته برای مدیریت سود را کشف کند و گزارش دهد. (تسیپوریدو و اسپاتیس، ۲۰۱۴).

به هر حال، وقوع رسوایی‌های مالی در دهه‌های اخیر این سؤال تجربی را مطرح کرد که آیا حسابرسان توانایی کشف و گزارش مدیریت سود را دارند؟ به عبارت دیگر آیا با افزایش اقلام تعهدی اختیاری که ناشی از دستکاری در اقلام درآمد هزینه‌ای قلمداد می‌شود، احتمال صدور گزارش تعدیل شده نیز افزایش می‌یابد؟

در این میان، ساختار مالکیت یکی دیگر از عوامل کلیدی در نظام راهبری شرکتی است که هم بر کیفیت حسابرسی و هم بر میزان و نوع مدیریت سود تأثیر می‌گذارد. در شرکت‌هایی با تمرکز مالکیت بالا، احتمال اعمال نفوذ سهامداران عمده بر مدیریت و حسابرسان بیشتر است، درحالی‌که در ساختارهای مالکیتی پراکنده، نظارت ضعیف‌تری بر تصمیمات مدیریتی اعمال می‌شود. مالکیت دولتی، به‌دلیل نظارت‌های نهادی، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش تضادهای نمایندگی و بهبود عملکرد باشد (شورورزی و همکاران، ۱۳۹۳). نظریه نمایندگی تأکید دارد که ساختار مالکیت بر نحوه افشا و شفافیت اطلاعات اثرگذار است و تمرکز مالکیت می‌تواند مانع از عملکرد فرصت‌طلبانه مدیران شود (هوی و همکاران، ۲۰۲۰؛ مهد غزالی، ۲۰۲۰).

مالکیت نهادی، به‌عنوان درصد سهامی که توسط نهادهای عمومی و دولتی نظیر بانک‌ها، بیمه‌ها و سایر مؤسسات مالی نگهداری می‌شود، نقش مهمی در نظارت بر عملکرد مدیران دارد. در ادبیات مالی، آستانه مالکیت نهادی ۲۰ درصد در نظر گرفته شده است که اگر از این حد فراتر رود، قدرت نظارتی نهادهای سرمایه‌گذار تقویت خواهد شد (علوی طبری و دیگران، ۱۳۹۰؛ ارنهات و لیزال، ۲۰۰۶؛ کومار، ۲۰۰۳). از این منظر، سهامداران نهادی و دولتی به دلیل دسترسی بهتر به اطلاعات و توان تحلیل بیشتر، نسبت به سرمایه‌گذاران فردی از قدرت و نفوذ بیشتری برخوردارند (نوروش و ابراهیمی کردلر، ۱۳۸۴).

با توجه به آنچه گفته شد، مطالعه حاضر به بررسی رابطه بین مدیریت سود و اظهار نظر حسابرس با تأکید بر نقش ساختار مالکیت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. از منظر نظری، این پژوهش در چارچوب

تئوری نمایندگی قرار دارد که تأکید بر تضاد منافع میان مدیران و مالکان و نقش سازوکارهای نظارتی نظیر حسابرسی و ساختار مالکیت در کاهش این تضاد دارد.

ضرورت انجام این مطالعه از آنجا ناشی می‌شود که صورتهای مالی نه تنها بازتاب عملکرد گذشته مدیریت شرکت هستند بلکه پایه و اساس تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، دولت و سایر ذی‌نفعان نیز محسوب می‌شوند. هرگونه انحراف یا دستکاری در اطلاعات مالی می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست و تخصیص غیربهبینه منابع در اقتصاد شود. در این راستا، وجود حسابرسی با کیفیت و ساختار مالکیت کارآمد می‌تواند به‌عنوان دو اهرم مکمل در جهت ارتقاء شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی عمل کنند.

هیات مدیره و حسابرسان به‌عنوان ارکان اصلی نظام حاکمیت شرکتی، وظیفه دارند از انحراف در افشای اطلاعات جلوگیری کرده و از حداکثرسازی منافع سهامداران حمایت کنند. کیفیت گزارشگری مالی، نه تنها در ارزیابی عملکرد مدیریت و تخصیص منابع اقتصادی مؤثر است بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش ریسک اطلاعاتی و بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران دارد (ملکیان و اصغری، ۱۳۸۵؛ مهدوی و دهقانی، ۱۳۹۵).

در شرکتهایی با تمرکز مالکیت بالا، سهامداران عمده قادرند حسابرسانی را انتخاب کنند که نظر مطلوب آنها را صادر کنند یا حتی در صورت عدم هماهنگی، اقدام به تغییر حسابرس نمایند (لی، هوانگ و وانگ، ۲۰۰۱). این شرایط می‌تواند استقلال حسابرس را تحت تأثیر قرار داده و منجر به کاهش اثربخشی حسابرسی در شناسایی رفتارهای مدیریت سود شود.

بر این اساس، این مطالعه به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا رابطه‌ای میان رفتار مدیریت سود و اظهار نظر حسابرس وجود دارد و آیا ساختار مالکیت می‌تواند این رابطه را تعدیل کند؟ اهداف تحقیق شامل بررسی رابطه میان مدیریت سود و اظهار نظر حسابرس، تحلیل این رابطه در شرکتهای با ساختار مالکیت نهادی و دولتی است. از منظر کاربردی، نتایج این پژوهش می‌تواند برای طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی از جمله سرمایه‌گذاران، نهادهای ناظر، حسابرسان و سیاست‌گذاران مالی مفید واقع شود.

در نهایت، با تکیه بر نتایج این پژوهش، می‌توان راهکارهایی جهت ارتقاء کیفیت گزارشگری مالی، افزایش اثربخشی حسابرسی و بهبود نظارت بر عملکرد مدیران ارائه داد، به‌ویژه در بستری مانند بازار سرمایه ایران که از یک سو با مسائلی نظیر تمرکز مالکیت بالا و از سوی دیگر با ضعف در حاکمیت شرکتی مواجه است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مدیریت سود

مدیریت سود، یکی از موضوعات محوری و پرچالش در پژوهش‌های حسابداری محسوب می‌شود. توجه شدید سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به ارقام سود، مدیران را به بهره‌گیری از ابزارهای حسابداری در راستای تنظیم سود گزارش شده ترغیب کرده است. هیلی و والن (۱۹۹۹)، مدیریت سود را استفاده آگاهانه مدیران از قضاوت‌های خود در ثبت و گزارش معاملات مالی تعریف می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که ممکن است درک سهامداران از عملکرد اقتصادی شرکت را تحت تأثیر قرار دهد یا بر نتایج قراردادهای مبتنی بر سود اثر بگذارد. اسکپیر (۱۹۸۹)، نیز مدیریت سود را مداخله عمدانه مدیران در فرآیند گزارشگری مالی برای دستیابی به منافع شخصی تعریف می‌کند.

طی دهه ۱۹۷۰ میلادی، محققان دانشگاهی شروع به کشف انگیزه‌های فرصت طلبانه مدیران برای گزارش دهی کردند. این محققان بر قراردادهای و فرآیندهای سیاسی تمرکز می‌کنند (واتس و زیمرمن ۱۹۷۸). در مورد اول، مبالغ ثبت شده توسط واحد حسابداری اغلب برای مشخص کردن شرایط یا الزامات قرارداد استفاده می‌شوند. در مورد دوم،

سیاستمداران، شرکت ها یا صنایع با درآمد بالا را برای قوانین یا مقررات هدف قرار می دهند، زیرا ثروت آنها می تواند به ذینفعان منتقل شود (کاهان، ۲۰۱۴).

در این راستا، یکی از اقسام صورتهای مالی که به عنوان معیار ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری واحد انتفاعی مورد توجه قرار میگیرد، "گزارشگری سود" میباشد. اما محاسبه سود خالص یک واحد انتفاعی متأثر از روشها و برآوردهای حسابداری است. اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق، برآورد و پیش بینی و همچنین اعمال روشهایی نظیر تغییر روش ارزیابی موجودی کالا، استهلاک سرفعلی، هزینه جاری یا سرمایه ای تلقی کردن هزینه های تحقیق و توسعه و تعیین هزینه مطالبات مشکوک الوصول از جمله مواردی هستند که مدیران میتوانند از طریق اعمال آنها، سود را تغییر دهند. از یک طرف به دلیل آگاهی بیشتر مدیران از وضعیت شرکت، انتظار می رود بگونه ای اطلاعات تهیه و ارائه شود که وضعیت شرکت را به بهترین نحو منعکس کند. از طرف دیگر بنا به دلایلی نظیر ابقاء در شرکت، دریافت پاداش و ...، مدیریت واحد انتفاعی خواسته یا ناخواسته ممکن است با دستکاری سود، وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. تحت چنین شرایطی سود واقعی با سود گزارش شده در صورتهای مالی مغایرت داشته و رویدادی تحت عنوان مدیریت سود رخ داده است (نمازی، بایزیدی و جبارزاده کنگرلویی، ۱۳۹۰). اقدامات مربوط به مدیریت سود منجر به فاش شدن اطلاعات مالی جعلی شرکت می شود، زیرا این اطلاعات مطابق با شرایط واقعی ارائه نگردیده است. وقتی سرمایه گذاران نتوانند میزان ریسک و بازده سرمایه گذاری خود را بطور مناسب ارزیابی کنند موجب وجود خطا در تصمیم گیری های آنان می شود. در نتیجه پی بردن به اقدامات مربوط به مدیریت سود میتواند به عنوان اطلاعات اضافی برای کاربران گزارش های مالی مفید باشد و به آنها این امکان را دهد که اقدامات احتیاطی را در زمان تحلیل اطلاعات مالی بکار گیرند (دستگیر، ۱۳۸۱).

برای اندازه گیری مدیریت سود، پژوهشگران مدل های متعددی ارائه کرده اند که مدل های مبتنی بر اقسام تعهدی اختیاری از معروف ترین این مدل ها هستند و تحقیقات نشان می دهد که اقسام تعهدی اختیاری و سطح مدیریت سود می تواند بر نوع اظهار نظر حسابرس تأثیرگذار باشد. چنانچه مدیریت سود افراطی و بدون اصلاح باقی بماند، احتمال صدور اظهار نظر مشروط یا مردود افزایش می یابد (فرانسیس و کرشنان، ۱۹۹۹؛ جونز، ۱۹۹۱).

مدل های اقسام تعهدی اختیاری

مدل جونز (۱۹۹۱) که این مدل یکی از نخستین چارچوب های اندازه گیری مدیریت سود است که اقسام تعهدی اختیاری را بر اساس تفاوت میان سود و جریان های نقد عملیاتی شرکت محاسبه می کند. در این مدل، اقسام تعهدی به دو بخش اختیاری و غیراختیاری تقسیم می شوند.

مدل تعدیل شده جونز (دیچو و همکاران، ۱۹۹۵)، با در نظر گرفتن تغییرات در حساب های دریافتی به عنوان شاخصی برای تشخیص فروش نسبی، دقت بیشتری در تشخیص مدیریت سود فراهم می آورد.

مدل ترکیبی رقابتی کنگ و سیوراما کریشن (۱۹۹۵)، برخلاف مدل های قبلی اصلاح کننده مدل جونز نمی باشد، بلکه آنچه را که در مدل جونز فراموش شده بود به مطالعات قبلی اضافه می کند.

مدل انتظاری (دیچو و همکاران، ۲۰۰۳)، این مدل سه تغییر جدید شامل تفکیک اقسام تعهدی غیراختیاری (NDA) از اقسام تعهدی اختیاری (DA) در فروش های نسبی، استفاده از متغیر اقسام تعهدی دوره قبل و متغیر رشد فروش داشته است.

حسابرسی و اظهار نظر حسابرس

گزارشهای سالانه ی شرکتهای طبق مجموعه ای از قوانین، که عموماً اصول کلی پذیرفته شده ی حسابداری عمومی (GAAP) یا استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) هستند، بسته به استاندارد ها وقوانین هر کشوری تهیه و تنظیم می شوند. استفاده کنندگان داخلی و بین المللی از این گزارشها، نیاز دارند که صورتهای مالی نهادهای تجاری به موقع منتشر شوند و آنها را نسبت به وضعیت و عملکرد مالی خود مطلع سازند. بنابراین، شباهتها و تفاوتهایی در روند تهیه ی گزارشهای سالانه وجود دارد. در بین ابزار استفاده شده توسط تنظیم کنندگان، برای افزایش اعتبار صورتهای مالی، نقش اصلی از طریق حسابرسی انجام شده توسط شرکت های حسابرسی مستقل ایفا میشود. نهایت روند حسابرسی با تضمین گزارش حسابرسی نتیجه گیری میشود (ایانیلو و گالوپو، ۲۰۱۵). گزارش حسابرسی یکی از مهم ترین ابزارهای اعتباردهی به صورتهای مالی است که اطمینان بخشی نسبت به صحت اطلاعات مالی را برای استفاده کنندگان فراهم می آورد (مالایمی و مرفوع، ۱۳۹۴). اظهارنظر حسابرس می تواند در قالب چهار نوع گزارش ارائه شود:

- ✓ اظهارنظر مقبول: در صورت تطابق کامل صورتهای مالی با استانداردها
- ✓ اظهارنظر مشروط: وجود تحریف بااهمیت ولی غیراساسی یا محدودیت جزئی در رسیدگی
- ✓ اظهارنظر مردود: وجود تحریفهای اساسی و گسترده که مطلوبیت گزارش را مخدوش می کند
- ✓ عدم اظهارنظر: در صورت وجود محدودیت های جدی یا ابهامات اساسی در گزارش

اظهار نظر حسابرس و مدیریت سود

فرآیند تعیین سود و نتایج آن نقشی اساسی در اداره شرکت داشته و برای استفاده کنندگان صورتهای مالی از اهمیت بالایی برخوردار است. از آنجا که تهیه صورتهای مالی بر عهده مدیریت بوده و محاسبه سود تحت تأثیر روشهای برآوردی حسابداری است، امکان مداخله مدیریت با انگیزه های شخصی وجود دارد. یکی از این اقدامات، مدیریت سود است که به دخالت آگاهانه مدیریت در فرآیند تعیین سود، به منظور دستیابی به اهداف خاص اشاره دارد (وایلند، برنستین و سابرامانیام، ۲۰۰۱).

حسابرسی با اعتباربخشی به صورتهای مالی، می تواند عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سهامداران را کاهش دهد (فردیناند و همکاران، ۱۹۸۸). انتظار می رود حسابرس با کشف تحریفات و رویه های مشکوک حسابداری، مدیریت سود را شناسایی کرده و گزارش دهد. با این حال، وقوع رسوایی های مالی در سال های اخیر این پرسش را مطرح کرده است که آیا حسابرسان توانایی لازم برای کشف و گزارش مدیریت سود را دارند؟ (تسیپوریدو و اسپاتیس، ۲۰۱۴).

مطالعات نشان داده اند که حسابرس مستقل می تواند از طریق گزارش تحریفات بااهمیت، انگیزه مدیریت برای دستکاری سود را کاهش دهد (الثانی بات و عبدل جلیل، ۲۰۱۱). رابطه میان گزارش تعدیل شده حسابرس و ارقام تعهدی اختیاری نیز به نحوه برخورد حسابرس با مدیریت سود اشاره دارد؛ به گونه ای که در صورت عدم اصلاح ارقام تعهدی توسط مدیریت، احتمال صدور گزارش تعدیل شده افزایش می یابد (جونز، ۱۹۹۱؛ دی آنجلو، ۱۹۸۶؛ هلی، ۱۹۸۵). به دو دلیل انتظار می رود بین ارقام تعهدی اختیاری و ریسک ذاتی حسابرسی، رابطه مستقیم وجود داشته باشد. نخست؛ با فرض فرصت طلبی مدیریت، ارقام تعهدی ابزاری است در دست مدیریت برای دستکاری سود گزارش شده و مدیران ارقام تعهدی را به نفع خودشان دستکاری می کنند. دوم؛ ارقام تعهدی چالشی برای حسابرسان محسوب می شود که با حساب های پرریسک، مانند حساب های دریافتی و موجودی ها، مرتبط است. محافظه کاری و احتیاط سازوکاری است که از طریق آن، حسابرسان می توانند به سطح مطلوب ریسک حسابرسی برای صاحبکاران با ارقام تعهدی بالا دست یابند. به

بیان دیگر، حسابرسان می توانند عدم اطمینان ذاتی را که در شرایط با ارقام تعهدی بالا وجود دارد، از طریق پایین آوردن آستانه صدور گزارش های تعدیل شده، جبران کنند (فردیناند، تسی و چن، ۱۹۹۸). یکی از راه های سنجش محافظه کاری حسابرسان، میزان ترس آنها از مدیریت سود صاحبکار و آستانه صدور گزارش تعدیل شده است. برای سنجش میزان محافظه کاری حسابرسان، مطالعه ارتباط اظهار نظر مشروط حسابرس و مدیریت سود، در موقعیت هایی که تمایل به مدیریت سود بالاتر وجود دارد، حائز اهمیت است. از اینرو حسابرسی مستقل با ارائه گزارشی حرفه ای درباره صورت های مالی، نقش مهمی در افزایش اعتبار و کیفیت اطلاعات حسابداری و ارتقای قابلیت اتکای آن برای تصمیم گیری های اقتصادی ایفا می کند. یافته های فرانسیس و کرشنان (۱۹۹۹)، نیز وجود رابطه مثبت و معناداری میان ارقام تعهدی بالا و احتمال بیشتر اظهار نظر تعدیل شده حسابرس را تأیید می کند. در مجموع، شواهد حاکی از وجود رابطه بین ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص مدیریت سود و نوع اظهار نظر حسابرس است.

ساختار مالکیت و نقش آن در مدیریت سود

ساختار مالکیت به عنوان یکی از ابعاد مهم حاکمیت شرکتی، بیانگر ترکیب و نحوه توزیع سهام شرکت بین مالکان مختلف است. این ساختار شامل سهامداران درونی (مدیران و کارکنان) و بیرونی (سرمایه گذاران نهادی، دولت و اشخاص حقیقی) می شود (سارین و همکاران، ۲۰۰۰). تفاوت در نوع و تمرکز مالکیت می تواند نقش مهمی در نظارت بر عملکرد مدیران و مهار رفتارهای فرصت طلبانه ایفا کند.

ساختار مالکیت، نقش مهمی در مهار کردن مدیریت سود فرصت طلبانه می تواند داشته باشد به عبارت دیگر ساختار مالکیت به عنوان نوع دیگری از مکانیزم نظارتی یک شرکت در جهت کنترل فعالیت های مدیریت سود می تواند موثر باشد. بلسان و همکاران (۲۰۰۲)، دریافتند که سرمایه گذاران نهادی، بیشتر قادر به تشخیص مدیریت سود نسبت به سرمایه گذاران غیر نهادی هستند. زیرا آنها دسترسی بیشتری به اطلاعات به موقع و مربوط دارند و می توانند تا حد زیادی مدیریت فرصت طلبانه سود را مهار کنند.

برای کاهش مدیریت سود و زیان های ناشی از آن که به طور معمول بسیار سنگین است، اجرای راهبری شرکتی بصورت صحیح، می تواند در کنترل و نظارت اعمال مدیران بسیار موثر باشد. یکی از ارکان اجرای راهبری شرکتی، استفاده از سرمایه گذاران نهادی است، زیرا مالکان نهادی با نفوذ و قدرت نهادی خود می توانند بر مدیریت نظارت کرده و در تغییر سیستم راهبری شرکت موثر واقع شوند. (بدیعی نژاد و توانگر، ۱۴۰۱). از طرفی دیگر، به لحاظ نظری، سرمایه گذاران نهادی جایگاه توانمندی در پیشبرد راهبری شرکتی دارند و با نفوذ در مدیریت شرکت در راستای همسو کردن اهداف گروه های ذینفع تاثیر بسزایی خواهند داشت، که دو دیدگاه برای آن مطرح شده است. دیدگاه اول، با توجه به فرضیه نظارت کارآمد، بیان می کند که با سرمایه گذاری بیشتر سرمایه گذاران نهادی، نظارت کاراتری بر شرکت اعمال شده و بسیاری از مشکلات نمایندگی رفع خواهد شد و در دیدگاه دوم با در نظر گرفتن فرضیه هم گرایی منافع بیان می کند که سرمایه گذاران نهادی بزرگ اتحاد و همبستگی استراتژیکی با مدیریت دارند همچنین، بر اساس تئوری نمایندگی، اندازه تقاضا برای خدمات حسابرسی، با ساختار مالکیت در شرکت ها وابسته است. با افزایش میزان مالکیت نهادی، کیفیت حسابرسی افزایش یافته و احتمال وقوع مدیریت سود کاهش می یابد. هر چند که شدت تاثیر نوع مالکیت بر کیفیت حسابرسی یکسان نیست (نامداری و همکاران، ۱۴۰۰). بر این اساس، سرمایه گذاران نهادی با نظارت موثر و کنترل دقیق پرتفوی سرمایه گذاری خود، تمایل بیشتری به دریافت اطلاعات دارند و در برخی مواقع، ممکن است سرمایه

گذاران نهادی به کیفیت اطلاعات در مقابل سود بیشتر نیاز داشته باشند، در چنین شرایطی سرمایه گذاران نهادی به ارائه گزارش با کیفیت بالا توسط حسابرسان نیاز دارند (دهقان، ۱۳۹۷).

پیشینه پژوهش

مطالعات متعدد داخلی و خارجی، روابط میان مدیریت سود، اظهار نظر حسابرس و ساختار مالکیت را مورد بررسی قرار داده‌اند.

ایمن و آنیس (۲۰۲۰)، طی پژوهشی با عنوان "نقش تعدیل کننده کیفیت حسابرسی بر رابطه بین گزارش حسابرس و مدیریت سود" نشان می‌دهند که مدیریت سود احتمال ارائه اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده را افزایش می‌دهد. در همین راستا، نتایج مطالعه هو و همکاران (۲۰۲۲)، بیان می‌کند که سطح مدیریت سود شرکت با تمایل به صدور اظهار نظر تعدیل شده (MAO) توسط حسابرسان در شرایط ساختار مالکیت رابطه مستقیم و معناداری دارد. با این حال، ارائه اظهار نظر تعدیل شده با تغییر حسابرس در چنین شرایطی رابطه معناداری ندارد. برعکس، سطح بالای مدیریت سود با تمایل به انتشار اظهار نظر تعدیل شده در زمانی که ساختار مالکیت شرکت ها تمرکز کمتری دارد، رابطه معناداری ندارد. همچنین در تبیین رابطه بین اظهار نظر حسابرس و ویژگیهای کیفی آن بر مدیریت سود که توسط صباغیان طوسی و همکاران در سال ۱۴۰۱ صورت پذیرفت، ادعا گردید که ویژگیهای کیفی حسابرس رابطه معنی داری با نوع اظهار نظر حسابرس دارند. در حالیکه در بررسی نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین گزارش حسابرسی و مدیریت سود توسط سعیدی و همتی (۱۴۰۱) مشخص گردید که اظهار نظر حسابرس بر مدیریت سود تأثیر معناداری ندارد و همچنین در شرکت هایی که اظهار نظر تعدیل شده توسط حسابرس ارائه می‌گردد، اگر حسابرسی از کیفیت بالایی برخوردار باشد، مستعد مدیریت سود (سطح اقلام تعهدی اختیاری) نیستند؛ در حالیکه مدیریت سود بر اظهار نظر حسابرس تأثیر معناداری دارد و همچنین شرکت هایی که مدیریت سود (سطح اقلام تعهدی اختیاری) بالایی دارند، اگر کیفیت حسابرسی بالایی داشته باشند، ممکن است نظر حسابرسی تعدیل شده دریافت کنند.

به عبارت دیگر در حالی که بولتر و همکاران (۲۰۰۴)، و سیپورید و اسپاتیس (۲۰۱۴)، نشان دادند که اظهار نظر حسابرس الزاماً با مدیریت سود رابطه معناداری ندارد، در مقابل، پژوهش‌هایی مانند الفوزی و زارای (۲۰۰۹)، تکتاک و مبارکی (۲۰۱۴) و سلیم و الزوبی (۲۰۱۷)، رابطه معناداری میان این دو متغیر یافته‌اند. بنابراین بر اساس پیشینه های بررسی شده، فرضیه اول پژوهش چنین تبیین می‌شود:

❖ بین مدیریت سود و نوع اظهار نظر حسابرس رابطه معنادار وجود دارد.

مطابق دیدگاه‌های مطرح شده در حاکمیت شرکتی، سرمایه گذاران نهادی به واسطه قدرت نظارتی خود، می‌توانند در کاهش مدیریت سود و ارتقای کیفیت حسابرسی مؤثر باشند (بدیعی نژاد و توانگر، ۱۴۰۱؛ دهقان، ۱۳۹۷). مهدی مراد زاده و همکاران (۱۳۸۸)، در تحقیق خود رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود را بررسی کرده‌اند. در این تحقیق رابطه بین تعداد سرمایه گذاران نهادی و همچنین تمرکز آنها با مدیریت سود بررسی شده است و به این نتیجه رسیده‌اند که بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود رابطه منفی معناداری وجود دارد. حاجیان و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی تاثیر ساختار مالکیت و عملکرد شرکت بر مدیریت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. با توجه به تفاوت نوع مالکیت و نقش آن در نظارت و کنترل و نیز ارزیابی عملکرد مدیریت، در این تحقیق به آزمون ارتباط بین مدیریت سود و انواع ساختار های مالکیت نظیر مالکیت نهادی، مالکیت شرکتی، مالکیت خانوادگی و مالکیت خارجی پرداخته شده است. نتایج پژوهش در مدل های مدیریت سود مورد استفاده نشان داده است که بین مالکیت شرکتی با مدیریت سود ارتباط مثبت و معناداری وجود داشته است. همچنین بین مالکیت خارجی، با وجود میزان مالکیت کمتر

نسبت به سایر سهامداران در شرکت، با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری مشاهده شده است که نشان دهنده آن است وجود سهامدار خارجی تاثیر بسزایی در جهت کاهش فعالیت های دستکاری سود توسط مدیریت داشته است. بو و وو (۲۰۱۱)، نشان می دهند که مدیران تمایل دارند قبل از افشای گزارش حسابرسی با حسابرسان مذاکره کنند تا از اظهار نظر حسابرسی "نامشخص" اجتناب کنند. هنگامی که ارتباطات مؤثر واقع شد، حسابرسان دیگر اظهار نظر تعدیل شده را ارائه نمی کنند. لی، هوانگ و وانگ (۲۰۰۱)، بیان می کنند که اگر شرکت توسط ذینفعان داخلی کنترل شود، مجمع عمومی سالانه به موضوعی نمایشی تبدیل می شود و در این شرایط انتخاب حسابرس به احتمال زیاد توسط مدیریت داخلی صورت می گیرد زیرا هنگامی که ساختار مالکیت در شرکت ها از تمرکز پایینی برخوردار است، احتمال بیشتری وجود دارد که حق تصمیم گیری در اختیار مدیریت داخلی باشد. از اینرو، حسابرسان برای جلوگیری از اخراج توسط شرکت پذیرفته شده در بورس، تمایل دارند رفتار مدیریت سود را نادیده بگیرند و اظهار نظر تعدیل شده ارائه ندهند. همچنین حسابرسان تمایل بیشتری به ارائه نظرات تعدیل شده بر اساس اطلاعات واقعی حسابداری به منظور برآورده ساختن انتظارات سهامداران کنترل کننده یا عمده دارند. علاوه بر این، هنگام استفاده از اظهار نظر تعدیل شده در این مورد، شانس خاتمه انتصاب کمتر است. از این رو، با توجه به مبانی نظری بیان شده و پیشینه تحقیق، فرضیه دوم چنین مطرح می شود:

❖ در شرکت های دارای مالکیت نهادی، مدیریت سود با احتمال بیشتری منجر به دریافت اظهار نظر تعدیل شده از سوی حسابرس می شود.

در پژوهشی که توسط نیکولین و همکاران (۲۰۲۲)، انجام شده، نشان دادند در کشور روسیه شرکت های با مالکیت دولتی نسبت به شرکت های خصوصی کمتر درگیر مدیریت سود هستند. همچنین، دریافتند سهم بالای شرکت های دولتی، یک عامل اثر گذار بر مدیریت سود و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ها است. از آنجاییکه امروزه، مسئولیت اجتماعی نقش مهمی در استراتژی شرکت ها ایفا می کند و در ایجاد روابط با سهامداران، بهبود تصویر و ارزش شرکت، شفاف سازی در عملکرد و در تضاد نبودن رفتار شرکت، دارای نقش با اهمیتی می باشد، می توان گفت، در شرکت هایی با ساختار مالکیت دولتی، نقش مسئولیت اجتماعی مهم تر به نظر می رسد و از طرفی، مدیران بیشتر از سیاست های دولت پیروی می کنند و انگیزه کمتری برای مدیریت سود خواهند داشت. در چنین ساختار مالکیتی حسابرسان برای ارائه گزارش حسابرسی بیش از پیش در مرکز توجه قرار خواهند گرفت، از سوی دیگر، با توجه به فرضیه بیمه خانم واندر والاس مبنی بر اینکه مدیران با تقاضا برای حسابرسی، خود را در معرض نوعی از پوشش بیمه ای قرار می دهند و پس از آن، حسابرس پاسخگوی عواقب احتمالی پیش آمده خواهد بود. بنابراین می توان ارائه اظهار نظر تعدیل شده از سوی حسابرسان در صورت مشاهده شواهدی مبنی بر مدیریت سود را انتظار داشت. با توجه به مبانی نظری مذکور فرضیه سوم به شرح ذیل تبیین شده است:

❖ در شرکت های با ساختار مالکیت دولتی، مدیریت سود با احتمال بیشتری منجر به دریافت اظهار نظر تعدیل شده از سوی حسابرس می شود.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر طبقه بندی بر مبنای هدف، از نوع پژوهش های کاربردی است. هدف پژوهش کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. همچنین پژوهش حاضر، از نظر روش و ماهیت از نوع علی-همبستگی است و داده های آن از نوع رویکرد پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) می باشد. برای آزمون فرضیه ها از رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده های ترکیبی استفاده می شود. به این صورت که برای انتخاب بین داده های ترکیبی و داده های

تلفیقی از آزمون F لیمر و برای انتخاب بین روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. سپس معناداری ضرایب متغیرها از آماره t استیودنت استفاده می‌شود.

متغیرها و مدل آزمون فرضیه

شیوه تجزیه و تحلیل داده ها

برای آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیون زیر استفاده گردید:

$$AOP_{it} = \varepsilon_0 + \varepsilon_1 DA_{it} + \varepsilon_2 INST_{it} + \varepsilon_3 STATE_{it} + \varepsilon_4 ROA_{it} + \varepsilon_5 LEV_{it} + \varepsilon_6 Size_{it} + \eta_t$$

لازم به ذکر است جهت آزمون فرضیه دوم و سوم یعنی بررسی رابطه مدیریت سود با اظهار نظر تعدیل شده حسابرس در شرکت های با ساختار مالکیت نهادی و دولتی، این رابطه در دو نمونه مستقل آماری، شرکت های با ساختار مالکیت نهادی و شرکت های با ساختار مالکیت دولتی، آزمون گردید. بنابراین برای آزمون این فرضیه ها مدل به صورت زیر تغییر کرد:

مدل آزمون فرضیه دوم:

$$AOP_{it} = \varepsilon_0 + \varepsilon_1 DA_{it} + \varepsilon_2 STATE_{it} + \varepsilon_3 ROA_{it} + \varepsilon_4 LEV_{it} + \varepsilon_5 Size_{it} + \eta_t$$

مدل آزمون فرضیه سوم:

$$AOP_{it} = \varepsilon_0 + \varepsilon_1 DA_{it} + \varepsilon_2 INST_{it} + \varepsilon_3 ROA_{it} + \varepsilon_4 LEV_{it} + \varepsilon_5 Size_{it} + \eta_t$$

تعریف عملیاتی متغیرها

متغیر مستقل

DA: مدیریت سود که بر اساس (مدل تعدیل شده جونز، ۱۹۹۵) بدست می آید:

$$TA_{it} / A_{it-1} = \alpha_1 [1/A_{it-1}] + \alpha_2 [(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}) / A_{it-1}] + \alpha_3 [PPE_{it} / A_{it-1}] + \varepsilon_{it}$$

TA_{it}: جمع اقلام تعهدی (سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه منهای جریانهای نقدی عملیاتی) شرکت i در سال t

A_{i, t-1}: جمع دارایی های شرکت i در سال t-1

ΔREV_{it}: تغییرات درآمد فروش شرکت i در سال t نسبت به t-1

ΔREC_{it}: تغییر در حسابهای دریافتی شرکت i بین سال t و t-1

PPE_{it}: مبلغ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

متغیر وابسته:

AOP: اظهار نظر حسابرسی که اگر شرکت نظر حسابرسی مقبول را بدست آورد مقدار + و در غیر اینصورت ارزش ۱ می گیرد.

متغیرهای کنترلی:

STATE (مالکیت دولتی): متغیری دووجهی بوده و بدین صورت اندازه گیری خواهد شد که اگر در ساختار مالکیت شرکت سهامدار دولتی باشد، شناسه ۱ و در غیر اینصورت شناسه صفر به این متغیر اختصاص خواهد یافت.

INST (مالکیت نهادی): متغیری دووجهی بوده و بدین صورت اندازه گیری خواهد شد که اگر در ساختار مالکیت شرکت سهامدار نهادی باشد، شناسه ۱ و در غیر اینصورت شناسه صفر به این متغیر اختصاص خواهد یافت.

ROA: بازده دارایی ها از طریق سود قبل از مالیات و اقلام غیرمترقبه تقسیم بر کل دارایی ها حساب می‌شود. بازده دارایی ها اثر بخشی مدیریت در ایجاد سود از کل سرمایه گذاری در دارایی ها را نشان می دهد.

LEV: در این تحقیق از نسبت بدهی های کوتاه مدت و بلند مدت به کل دارایی های شرکت به عنوان شاخص اهرم مالی استفاده می شود که با کیفیت سود رابطه معکوس دارد.

SIZE: اندازه شرکت که به صورت لگاریتم کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود. هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، کیفیت سود نیز بهتر است (پیری و همکاران ۱۳۹۲).

یافته ها

آمار توصیفی

پژوهش حاضر به منظور بررسی فرضیات خود از مدل رگرسیونی چندگانه استفاده کرده است. داده های این پژوهش مربوط به ۱۳۲ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ می باشد. جداول ۱ و ۲ اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش شامل تعداد مشاهدات، میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه را به تفکیک متغیرهای کمی و کیفی نشان می دهند.

همان طور که پیشتر نیز گفته شد، مدیریت سود حاصل قدر مطلق باقیمانده های مدل تعدیل شده جونز می باشد. این متغیر دارای میانگین ۰.۰۰۳، پراکندگی معادل ۰.۰۰۴ و کمینه در حدود صفر و بیشینه ۰.۰۳۰ است. کشیدگی مثبت این متغیر حاکی از آن است که پراکندگی داده های آن نسبت به توزیع نرمال کمتر می باشد. چولگی مثبت نیز نشان می دهد که تجمع بیشتر داده ها کمتر از میانگین است. در بین متغیرهای کنترلی که شامل اهرم مالی، اندازه شرکت و بازده دارایی ها هستند، بیشترین میانگین برای اندازه شرکت با میانگین ۰.۶۸ و کمترین میانگین برای بازده دارایی ها با میانگین ۰.۲۱۹ محاسبه شد. بیشترین و کمترین پراکندگی نیز به ترتیب برای متغیرهای اندازه شرکت و بازده دارایی های است. کمترین مشاهده با عدد ۰.۲۴۶- برای بازده دارایی ها و بیشترین مشاهده با عدد ۴.۹۳۴ برای اندازه شرکت می باشد. سایر آمار توصیفی متغیرهای کمی در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای کمی

لاتین	نام متغیر	مشاهده	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	کشیدگی	چولگی
Da	مدیریت سود	۶۶۰	۰.۰۰۳	۰.۰۰۴	۰-۱۰*۲.۴۲	۰.۰۳۰	۲۳.۹۹۰	۴.۵۶۷
Lev	اهرم مالی	۶۶۰	۰.۵۲۹	۰.۲۵۰	۰.۰۶۰	۱.۶۳۲	۲.۹۳۱	۱.۰۵۷
Size	اندازه شرکت	۶۶۰	۰.۶۸	۰.۷۵۴	۴.۹۳۴	۹.۳۶۸	۰.۸۳۰	۰.۷۶۴
Roa	بازده دارایی ها	۶۶۰	۰.۲۱۹	۰.۱۸۲	-۰.۲۴۶	۰.۶۷۴	-۰.۱۶۲	۰.۰۷۲

مأخذ: پایه داده ای پژوهش

سه متغیر نوع اظهار نظر حسابرسی، مالکیت نهادی و مالکیت دولتی متغیرهای کیفی صفر و یکی هستند. در بین این متغیرها بیشترین و کمترین میانگین با میانگین های ۰.۷۷۴ و ۰.۲۹۱ به ترتیب برای مالکیت نهادی و مالکیت دولتی می باشد. بیشترین پراکندگی برای متغیر نوع اظهار نظر حسابرسی می باشد. بیشترین تعداد یک برای مالکیت نهادی و بیشترین تعداد صفر برای متغیر مالکیت دولتی است. سایر اطلاعات آمار توصیفی این متغیرها در جدول ۲ ارائه گردید.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای کیفی

لاتین	نام متغیر	مشاهده	میانگین کل	انحراف معیار	تعداد صفر	تعداد یک	کشیدگی	چولگی
Aop	اظهار نظر حسابرسی	۶۶۰	۰.۵۹۴	۰.۴۹۱	۲۶۸	۳۹۲	-۱.۸۵۹	-۰.۳۸۳
Inst	مالکیت نهادی	۶۶۰	۰.۷۷۴	۰.۴۱۸	۱۴۹	۵۱۱	-۰.۲۷۲	-۱.۳۱۵
State	مالکیت دولتی	۶۶۰	۰.۲۹۱	۰.۴۵۵	۴۶۸	۱۹۲	-۱.۱۵۲	۰.۹۲۳

مأخذ: یافته های پژوهش

برآورد مدل اول

با توجه به نتایج آزمون ادغام مدل رگرسیونی اول باید به روش داده های تابلویی برآورد شود. همچنین با انجام آزمون هاسمن مشخص گردید به منظور دستیابی به بهترین برآورد رگرسیونی، باید از روش داده های اثرات ثابت بهره گرفت. علاوه بر این، با توجه به نتایج جدول ۳، مدل اول رگرسیون دارای واریانس همسانی باقیمانده ها است. آماره ی این آزمون برای این مدل معادل ۰.۰۱ محاسبه شد. بر خلاف آن، باقیمانده ها در سطح ۹۹ درصد اطمینان دارای همبستگی سریالی هستند. آماره ی این آزمون نیز معادل ۷۷۳۹.۸۵ به دست آمد و فرض صفر آن رد می شود. همچنین، با توجه به نتایج آزمون تصریح مدل رمزی ریست، این مدل دارای متغیر محذوف نیست و از این رو نتایج دارای توروش نمی باشد.

جدول (Error! No text of specified style in document.): نتایج آزمون های تشخیصی رگرسیون اول

نام آزمون	Chi2 or F	P-Value
آزمون بروش- پاگان	۰.۰۱	۰.۹۰۶
آزمون وودریج	۷۷۳۹.۸۴۹	۰.۰۰۰
آزمون رمزی ریست	۱.۰۳	۰.۳۷۷

نکته: فرض صفر سه آزمون به ترتیب، واریانس همسانی، عدم وجود همبستگی سریالی و عدم وجود متغیر محذوف هستند.

مأخذ: یافته های پژوهش

در جدول ۴، نتایج تخمین مدل اول نمایش داده شده است. از آنجا که متغیر وابسته این مدل، از نوع متغیر کیفی صفر و یکی است، لذا باید از رگرسیون لجستیک بهره گرفت. علاوه بر این، به منظور رفع مشکل همبستگی سریالی از روش تخمین پویا با لحاظ کردن وقفه متغیر وابسته به عنوان متغیر توضیحی استفاده شد. از آنجا که داده های گردآوری شده سالیانه هستند، وقفه سال قبل متغیر ارائه اظهار نظر تعدیل شده در مدل گنجانده شده است.

ضریب وقفه متغیر ارائه اظهار نظر تعدیل شده در سطح ۹۹ درصد اطمینان معادل ۰.۹۵۹ تخمین زده شد. بنابراین، حدود ۹۶ درصد ارائه اظهار نظر تعدیل شده هر سال، بوسیله سال قبل آن تعیین می گردد. ضریب متغیر مدیریت سود نیز در سطح ۹۹ درصد اعتماد مثبت و معادل ۰.۵۲۷ برآزش گردید. بنابراین، با افزایش مدیریت سود، ارائه اظهار نظر تعدیل شده افزایش می یابد. در نتیجه، فرضیه اول پژوهش مبنی بر این که بین مدیریت سود و نوع اظهار نظر حسابرس رابطه معنادار وجود دارد، در سطح ۹۹ درصد اطمینان تأیید می شود. ضریب متغیر مالکیت نهادی نیز در سطح ۹۹ درصد اطمینان برابر ۱۴.۲۰۳ به دست آمده است. بنابراین، هر چه مالکیت نهادی بیشتر باشد، ارائه اظهار نظر تعدیل شده نیز بیشتر می شود. ضریب متغیر مالکیت دولتی شدت کمتری دارد. ضریب متغیر State در سطح ۹۹ درصد اطمینان معادل ۰.۲۵۹ برآزش گردید. بنابراین، هر چه مالکیت دولتی بیشتر باشد، ارائه اظهار نظر تعدیل شده نیز بیشتر می شود.

در میان متغیرهای کنترلی، تنها اندازه شرکت اثر معنی داری بر ارائه اظهار نظر تعدیل شده دارد. ضریب این متغیر در سطح ۹۵ درصد اطمینان معادل ۶.۲۶۸- به دست آمده است. بنابراین، هر چه شرکت بزرگتر باشد، ارائه اظهار نظر تعدیل شده برای آن کمتر می گردد. معنی داری کل رگرسیون نیز در سطح ۹۹ درصد اطمینان تأیید می شود. قدرت توضیح دهنده مدل اول نیز معادل ۹۴.۰۱ می باشد. پس از آن، نرمال بودن جزء اخلاص نیز بررسی گردید. با توجه به نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف آماره ی این آزمون معادل ۰.۵۲۲ به دست آمد و جزء اخلاص از توزیع نرمال برخوردار می باشد و از این رو، می توان از آزمون های مرسوم F ، t و Z استفاده کرد.

جدول (Error! No text of specified style in document.): نتایج تخمین رگرسیون اول

FE Logit Model		نام متغیر
P-Value	ضریب	

۰.۰۰۰	۰.۹۵۹	Aopt-1
۰.۰۰۰	۰.۵۲۷	Da
۰.۰۰۰	۱۴.۲۰۳	Inst
۰.۰۰۰	۰.۲۵۹	State
۰.۸۱۵	۲.۸۹۹	Roa
۰.۱۸۸	۹.۵۴۶	Lev
۰.۰۳۳	-۶.۲۶۸	Size
۰.۵۹۲	۱۰.۰۲۰	Constant
	۰.۵۲۸	Obs
۰.۰۰۰	۱۹.۸۵	Chi2 Test
	۹۴.۰۱	R2 Adj.
۰.۵۲۲		Norm of Resid

برآورد مدل دوم

به منظور بررسی فرضیه دوم و برآورد مدل دوم پژوهش، نمونه گردآوری شده تنها شامل شرکت هایی است که دارای ساختار مالکیت نهادی هستند. از این رو، شرکت هایی که متغیر Inst آن ها برابر صفر هستند، از این نمونه حذف شده اند. با توجه به نتایج آزمون ادغام، مدل رگرسیونی دوم نیز باید به روش داده های تابلویی برآورد شود. همچنین با انجام آزمون هاسمن مشخص گردید به منظور دستیابی به بهترین برآورد رگرسیونی، باید از روش داده های اثرات ثابت بهره گرفت. علاوه بر این، از آنجا که متغیر وابسته این مدل نیز ارائه اظهار نظر تعدیل شده است، باید از روش رگرسیون لجستیک بهره گرفت. با توجه به نتایج جدول ۵، باقیمانده های مدل دوم رگرسیون واریانس همسان هستند. آماره ی این آزمون برای این مدل معادل ۰.۰۴ محاسبه شد.

باقیمانده های این مدل در سطح ۹۹ درصد اطمینان دارای همبستگی سریالی هستند. آماره ی این آزمون معادل ۴۷۳۸.۳۶ به دست آمد و فرض صفر این آزمون رد می شود. همچنین، با توجه به نتایج آزمون تصریح مدل رمزی ریست، این مدل دارای متغیر محذوف نیست و از این رو نتایج دارای توروش نمی باشد.

جدول (۵): نتایج آزمون های تشخیصی رگرسیون دوم

P-Value	Chi2 or F	نام آزمون
۰.۸۴۵	۰.۰۴	آزمون بروش- پاکان
۰.۰۰۰	۴۷۳۸.۳۵۵	آزمون وودریج
۰.۵۰۱	۰.۷۱	آزمون رمزی ریست

نکته: فروض صفر سه آزمون به ترتیب، واریانس همسانی، عدم وجود همبستگی سریالی و عدم وجود متغیر محذوف هستند.

در جدول ۶ نتایج برازش مدل دوم ارائه شد. برای این نمونه نیز، ضریب وقفه متغیر ارائه اظهار نظر تعدیل شده در سطح ۹۹ درصد اطمینان معادل ۰.۹۵ به دست آمده است. ضریب متغیر مدیریت سود در سطح ۹۵ درصد اطمینان معادل ۵.۸۰۴ به دست آمد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این که در شرکت های دارای مالکیت نهادی، مدیریت سود با احتمال بیشتری منجر به دریافت اظهار نظر تعدیل شده از سوی حسابرس می شود، تأیید می شود. مالکیت دولتی نیز در این مدل ضریب مثبت و در سطح ۹۹ درصد اطمینان معادل ۰.۲۳۶ دارد. مشابه مدل اول در این مدل نیز ضریب اندازه شرکت در سطح ۹۵ درصد اطمینان منفی و معادل -۰.۰۲۱- برازش شد.

مدل دوم نیز در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی دار است و قدرت توضیح دهندگی آن معادل ۹۲.۹۱ درصد می باشد. پس از آن، نرمال بودن جزء اخلاص نیز بررسی گردید. با توجه به نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف آماره Z معادل ۰.۸۱۷ به دست آمد و جزء اخلاص از توزیع نرمال برخوردار می باشد و از این رو، می توان از آزمون های مرسوم F ، t و ... استفاده کرد.

جدول (۶): نتایج تخمین رگرسیون دوم

RE Logit Model		نام متغیر
P-Value	ضریب	
۰.۰۰۰	۰.۹۴۶	Aopt-1
۰.۰۲۸	۵.۸۰۴	Da
۰.۰۰۰	۰.۲۳۶	State
۰.۵۳۱	۱۱.۷۷۴	Roa
۰.۳۴۶	۱۴.۲۶۷	Lev
۰.۰۲۰	-۰.۰۲۱	Size
۰.۷۱۱	۱۷.۰۴۰	Constant
۴۰.۸		Obs
۰.۰۲۰	۱۳.۴۱	Wald Test
۹۲.۹۱		R2 Adj.
۰.۸۱۷		Norm of Resid

ماخذ: یافته های پژوهش

برآورد مدل سوم

به منظور بررسی فرضیه سوم و برآورد مدل سوم، نمونه گردآوری شده تنها شامل شرکت هایی است که دارای ساختار مالکیت دولتی هستند. از این رو، شرکت هایی که متغیر State آن ها برابر صفر هستند، از این نمونه حذف شده اند. نتایج آزمون ادغام مدل رگرسیونی سوم حاکی از آن است که این مدل باید به روش داده های تابلویی برآورد شود. همچنین با انجام آزمون هاسمن مشخص گردید به منظور دستیابی به بهترین برآورد رگرسیونی، باید از روش داده های اثرات ثابت بهره گرفت. علاوه بر این، مشابه دو مدل قبل از روش لجستیک بهره گرفته خواهد شد. همچنین، با توجه به نتایج جدول ۴-۱۲، مدل سوم رگرسیون واریانس همسان است. آماره F این آزمون برای این مدل معادل ۱.۷۶ محاسبه شد. بر خلاف آن، باقیمانده های این مدل در سطح ۹۹ درصد اطمینان دارای همبستگی سریالی هستند. آماره F این آزمون نیز معادل ۱۳۰۶۶۲.۴ به دست آمد و فرض صفر این آزمون رد می شود. همچنین، با توجه به نتایج آزمون تصریح مدل رمزی ریست، این مدل دارای متغیر محذوف نیست و از این رو نتایج برآورد شده دارای توروش نمی باشند.

جدول (Error! No text of specified style in document.): نتایج آزمون های تشخیصی رگرسیون سوم

P-Value	Chi2 or F	نام آزمون
۰.۱۸۵	۱.۷۶	آزمون بروش-پاکان
۰.۰۰۰	۱۳۰۶۶۲.۳۹	آزمون وودریج
۰.۷۵۳	۰.۴۰	آزمون رمزی ریست

نکته: فروض صفر سه آزمون به ترتیب، واریانس همسانی، عدم وجود همبستگی سریالی و عدم وجود متغیر محذوف هستند.

در جدول ۸، ضریب متغیر وقفه ارائه اظهار نظر تعدیل شده در سطح ۹۹ درصد اطمینان معادل ۰.۹۸ به دست آمده است. ضریب برآورد شده مدیریت سود در سطح ۹۹ درصد اطمینان برابر ۰.۴۰۲ محاسبه گردید. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش مبنی بر این که در شرکت‌های با ساختار مالکیت دولتی، مدیریت سود با احتمال بیشتری منجر به دریافت اظهار نظر تعدیل شده از سوی حسابرس می‌شود، در سطح ۹۹ درصد اطمینان پذیرفته می‌شود. متغیر مالکیت نهادی از این مدل حذف شده است. دلیل این موضوع این می‌باشد که با فیلتر کردن داده‌ها برای شرکت‌هایی که متغیر مالکیت دولتی برای آن‌ها صفر گزارش شده است، تمامی مشاهدات برای متغیر مالکیت نهادی در نمونه گردآوری شده برابر یک می‌باشد. از این رو، امکان وارد کردن این عدد ثابت یک در مدل وجود ندارد. این مدل در سطح ۹۵ درصد اطمینان با قدرت توضیح دهندگی ۹۷.۳۴ درصد، معنی دار می‌باشد. علاوه بر این، با توجه به نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف آماره ی این آزمون معادل ۰.۷۷۹ به دست آمد و جزء اخلاص از توزیع نرمال برخوردار می‌باشد.

جدول ۸: نتایج تخمین رگرسیون سوم

RE Logit Model		نام متغیر
P-Value	ضریب	
۰.۰۰۰	۰.۹۷۸	Aopt-1
۰.۰۰۰	۰.۴۰۲	Da
-	-	Inst
۰.۲۰۷	۰.۰۶۰	Roa
۰.۷۹۸	-۰.۰۱۰	Lev
۰.۲۹۱	-۰.۰۰۸	Size
۰.۲۸۹	۰.۰۷۲	Constant
۱۵۲		Obs
۰.۰۲۱	۲۲.۴۷	Wald Test
۹۷.۳۴		R2 Adj.
۰.۷۷۹		Norm of Resid

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

صورت‌های مالی حسابرسی شده یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان به شمار می‌روند. در غیاب این نوع گزارش‌ها، احتمال بروز تقلب، تحریف و دستکاری در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد و همین امر، لزوم نقش نظارتی و اعتباربخشی حسابرسان مستقل را برجسته می‌سازد. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان مدیریت سود و اظهار نظر حسابرس با تأکید بر ساختار مالکیت شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ پرداخته است.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که بین مدیریت سود و نوع اظهار نظر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد. این یافته موید آن است که حسابرسان در مواجهه با نشانه‌هایی از مدیریت سود، به‌ویژه در مواردی که اصل تداوم فعالیت شرکت در معرض تردید قرار می‌گیرد، تمایل بیشتری به ارائه اظهار نظر تعدیل شده نشان می‌دهند. این موضوع در چارچوب نظریه تضاد منافع قابل تبیین است؛ جایی که مدیران ممکن است با انگیزه‌های فرصت‌طلبانه به تحریف سود اقدام کنند و حسابرسان نقش مهارکننده این رفتار را ایفا می‌کنند.

در بررسی فرضیه دوم، رابطه میان ساختار مالکیت نهادی و اظهار نظر حسابرس در شرایط وجود مدیریت سود تأیید شد. نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی با سهامداران نهادی، حساسیت نسبت به کیفیت گزارشگری مالی و پیامدهای احتمالی ناشی از مدیریت سود بیشتر است. در این شرایط، حسابرسان با احتمال بیشتری اقدام به صدور گزارش تعدیل شده می‌کنند؛ چراکه سهامداران نهادی اغلب خواهان شفافیت، کنترل دقیق و کاهش ریسک دعاوی حقوقی و مالی در بلندمدت هستند.

فرضیه سوم نیز حاکی از وجود رابطه معنادار بین ساختار مالکیت دولتی و اظهار نظر حسابرس در حضور مدیریت سود بود. با وجود آنکه انتظار می‌رود شرکت‌های دولتی به دلیل پایبندی به مسئولیت اجتماعی و محدودیت‌های نهادی کمتر به مدیریت سود گرایش داشته باشند، اما در مواردی که شواهدی از تحریف سود مشاهده شود، حسابرسان به منظور پیشگیری از آسیب به اعتبار نهاد دولتی و پاسخ‌گویی عمومی، گزارش‌های تعدیل شده ارائه می‌کنند. به طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نوع ساختار مالکیت می‌تواند بر حساسیت حسابرسان نسبت به مدیریت سود اثرگذار باشد. این نتایج حاکی از اهمیت توجه به انگیزه‌ها و منافع مختلف گروه‌های مالکیتی در تحلیل عملکرد گزارشگری مالی و اظهار نظر حسابرس است.

پیشنهاد‌های حاصل از پژوهش

از آنجایی که پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی است، هدف پژوهشگر در این گونه پژوهش‌ها، توسعه و کاربرد علمی موضوع است. بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش پیشنهادات کاربردی به شرح زیر ارائه می‌گردند:

- ✓ به سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌گردد ابتدا به بررسی اظهار نظر حسابرسان، بخصوص اظهار نظرهای تعدیل شده، در مورد فعالیت شرکت بپردازند و در صورتی که، بندهای تعدیل کننده اظهار نظر به وجود ابهام در مورد تداوم فعالیت اشاره می‌کند با هر سطح از اهمیت، به خوبی از پیامدهای آن آگاه باشند و بر مبنای آن به اتخاذ تصمیمات مبادرت ورزند.
- ✓ همچنین، به سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌گردد، با برگزاری دوره‌های آموزشی برای حسابرسانی که به تازگی فعالیت خود را در زمینه حسابرسی آغاز نموده‌اند، آنها را از پیامدهای منفی و عواقب ناشی از مدیریت سود کشف نشده، آگاه سازند و آنان را نسبت به تمامی روش‌هایی که می‌توان به مدیریت سود اقدام ورزید آگاه تر نمایند.
- ✓ با شناخت هر چه بیشتر از ساختار مالکیت نهادی و نقش آن در پیشبرد راهبری شرکتی، این ساختار می‌تواند استراتژی کارساز برای تشویق شرکت‌ها در اتخاذ این نوع مالکیت‌ها باشد.
- ✓ برای رشد و ارتقای مالکیت نهادی، در تدوین سیاست‌ها و خط مشی‌های خود، انتظارات سرمایه‌گذاران نهادی در صنایع مختلف مورد توجه قرار گیرد، و در صدد رفع آن‌ها اقداماتی صورت گیرد.

منابع

- ✓ حاجیان، نجمه، داغانی رضا، موسیوند، رضا، (۱۳۹۶). تاثیر ساختار مالکیت و عملکرد شرکت بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه تحلیلی مالی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۶۵-۸۹.
- ✓ دستگیر، محسن، (۱۳۸۱)، حسابداری ساختگی و رسوایی‌های مالی شرکت‌های آمریکایی، حسابدار، صص ۷۲-۸۱.
- ✓ دهقان، ابوالفضل، (۱۳۹۷)، رابطه ساختار مالکیت و اظهار نظر حسابرسان، نشریه بازار سرمایه، شماره ۳۱۱، ص ۱۹.
- ✓ سعیدی، مژگان، همتی، مهدی، (۱۴۰۱)، نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین گزارش حسابرسی و مدیریت سود، فصلنامه مطالعات نوین کاربردی در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دوره ۵، شماره ۱، صص ۷۲-۹۱.

- ✓ شورورزی، محمدرضا، محسن، خلیلی، حمید، سلیمانی، امید، فروتن، (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکتها بر مبنای رگرسیون فازی، پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۷، شماره ۵۲، صص ۱۲۱-۱۳۹.
- ✓ صفی پور افشار، مجتبی، سلطانی نیاد، احمدصادق، ابراهیم، سلطانی نژاد، (۱۴۰۱)، بررسی عوامل اثرگذار بر اظهار نظر حسابرس نسبت به تداوم فعالیت، پژوهش های حسابداری مالی و حسابداری، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۱۱۵-۱۳۶.
- ✓ صباغیان طوسی، امید، مرادی، زهرا، یزدانی، شهره، (۱۴۰۱)، این رابطه بین اظهار نظر حسابرس و ویژگیهای کیفی حسابرس بر مدیریت سود، فصلنامه مطالعات مدیریت و توسعه پایدار، دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۹-۵۷.
- ✓ علوی طبری، حسین، رجبی، روح اله، شهبازی، منصوره، (۱۳۹۰)، رابطه نظام راهبردی و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکتها، دانش حسابداری، دوره ۲، شماره ۵، صص ۷۵-۱۰۱.
- ✓ مالایمنی، وحید، مرفوع، محمد، (۱۳۹۴)، رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و تاخیر در بررسی اثر اظهار نظر تعدیل شده حسابرس بر ساختار بدهی، زمان صدور گزارش حسابرسی، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱، شماره ۴۵، صص ۵۱-۷۱.
- ✓ ملکیان، اسفندیار، اصغری، جعفر، (۱۳۸۵)، مطالعه رابطه بین ارزش افزوده اقتصادی و نرخ بازده دارایی ها در راستای ارزیابی عملکرد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بورس، دوره ۸، شماره ۵۹، صص ۲۴-۳۳.
- ✓ مهدوی، غلامحسین، دهقانی سعدی، علی اصغر، (۱۳۹۵)، نقش میانجی گری تأخیر غیرعادی در ارائه گزارش حسابرسی در تبیین رابطه بین کیفیت سود و ارزش شرکت، دانش حسابداری، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۱۰۷-۱۳۰.
- ✓ مرادزاده فرد، مهدی، ناظمی اردکانی، مهدی، غلامی، رضا، حجت اله فرزانی، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۵، صص ۸۵-۹۸.
- ✓ نوروش، ایرج، ابراهیمی کردلر، علی، (۱۳۸۴)، بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۱۲۴-۹۷.
- ✓ Alzoubi, E., (2017). Audit quality, debt financing, and earnings management: Evidence from Jordan. *Journal of International Accounting*, (17), 170-189.
- ✓ Butler, M. Leon, A.J., & Willenborg, M., (2004). An Empirical Analysis of auditor Reporting and its Association with Abnormal Accruals, *Journal of Accounting and Economics*, vol. 37, No. 2, Pp 139-165.
- ✓ Balsam, S., E. Bartov and C. Marquardt (2002). "Accruals Management, Investor Sophistication, and Equity Valuation: Evidence from 10-Q Filings." *Journal of Accounting Research*, Vol. 40, No. 4, PP. 987-1012.
- ✓ DeAngelo, L.E., (1986), "Accounting Numbers as Market Valuation Substitutes: A Study of Management Buyouts of Public Stockholders", *The Accounting Review*, Vol. 61, No. 3, PP. 400-42
- ✓ Dechow Patricia M., Richardson Scott Anthony, and Tuna Irem A. (2003). "Why are earnings kinky? An examination of the earnings management explanation", *Review of Accounting Studies*, 8(June-September): 355-384
- ✓ Dechow, p. M., Sloan, R.G., & Sweeny, A.P., (1995), *Detecting Earnings Management*, *The Accounting Review*, vol. 70, No. 2, Pp. 193-225.
- ✓ Earnhart, D., and Lizal, L (2006). "Effects of ownership and financial performance on corporate Environmental performance." *Journal of corporativ Economics*. 34, Pp. 111-129.
- ✓ Francis, J. R. & Krishnan, J., (1999), "Accounting Accruals and Auditors Reporting conservatism," *contemporary Accounting Research*, vol. 16, pp. 135-165

- ✓ Healy, P. and Wahlen, J. (1999). "A Review of the Earnings Management Literature and its Implications for Standard Setting". *Accounting Horizons*, 13 (4): 365-383.
- ✓ Hu, B. Mai, Y. Pekec, S. (2020), Managing innovation spillover in outsourcing, *Production and Operations Management*, Vol. 29, No.10, PP.2252-2267
- ✓ Ho, Simon, S.M. and Wong, K.S, 2001, A Study of the Relationship between Corporate Governance Structures and the Extent of Voluntary Disclosure, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol.10, No.2, pp.139-156.
- ✓ Healy, P.M., (1985), "The Effect of Bonus Schemes on Accounting Decisions", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 7, PP. 85-107
- ✓ Hu, M., Muhammad, M., Yang, J. (2022), Ownership concentration, modified audit opinion, and auditor switch: New evidence and method, *North American Journal of Economics and Finance*, pp :1-12.
- ✓ Hribar, P., & Yang, H. (2016). CEO overconfidence and management forecasting. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 204-227. <http://dx.doi.org/10.1111/1911-3846.12114>.
- ✓ Imen, F., & Anis, j. (2020). The moderating role of audit quality on the relationship between auditor reporting and earnings management: empirical evidence from Tunisia. *EuroMed Journal of Business* Vol. 16 No. 4, 2021, pp. 416-430
- ✓ Ianniello, G. & Galloppo, G. (2015). »Stock Market Reaction to Auditor Opinions – Italian Evidence«, *Managerial Auditing Journal*, 30(6/7), 610 – 632.
- ✓ Jensen, M.C., and Meckling W.H., (1976). "Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure", *Journal of Financial Economics* (October):305-360.
- ✓ Jones, J., (1991), "Earning Management During Import Relief Investigation". *Journal Of Accounting Research*, vol.29 Autumn
- ✓ Jones, J., (1991), "Earning Management During Import Relief Investigation". *Journal Of Accounting Research*, vol.29 Autumn
- ✓ Kang Sok-Hyon and Sivaramakrishnan K. (1995). "Issues in testing earnings management and an instrumental variable approach", *Journal of Accounting Research*, 33, 2 (Autumn): 353-367
- ✓ Kumar, J. (2003). "Dose ownership structure In fluce Firm value? Evidence From India." working paper. [on line]. www.ssm.com
- ✓ Mohd Ghazali, N. (2020). "Governance and ownership in Malaysia: their impacts on corporate performance". *Asian Journal of Accounting Research*, Vol.5, No. 2, PP.2459-9700
- ✓ Nikulin, D.S. & Strawser, J.A.. (2022). CSR disclosure and state ownership: implications for earnings management and market value. *Journal of Accounting in Emerging economies*.
- ✓ Roychowdhury, S. (2006). "Earnings management through real activities manipulation", *Journal of Accounting and Economics*, 42(3). PP 335-370.
- ✓ Schipper, Katherine. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizons*, 3(4), 91-102
- ✓ Sarin, A., Shastri, K. A. & Shastri, K. (2000). Ownership structure and market liquidity. Working paper, Santa Clara University
- ✓ Scherand, C. M., Zechman, S. L. (2012). Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2), 311-329.
- ✓ Tsipouridou, M. and Spathis, Ch., (2014), "Audit Opinion and Earnings Management: Evidence from Greece", *Accounting Forum*, Vol. 38, No. 1, PP. 38-52
- ✓ Wild, J.J., Berenstein, L.A and Subramanyam, K.R (2001). *Financial Statement Analysis*, 7th Ed. New York Mc Graw-Hill Higher Education.

- ✓ Watts, R and J Zimmerman (1978), "Towards a positive theory of the determination of accounting standards", The Accounting Review, v 53, pp 112-134.

